

کرونا باعث تغییراتی در فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه و حرکت به سمت فضای مجازی شده؛ اما در واقع فعالیت‌های کمی گریانه سر جای خود هستند و فقط از سالن آملی‌تاتار به محیط وب و از سمینار به وبینار تغییر پیدا کرده‌اند.

همیشه توجیه اول معاونان فرهنگی دانشگاه‌ها برای کم‌کارشان کمبود بودجه است. خیال خام است اگر کسی فکر کند در جلسات شورای فرهنگی دانشگاه‌ها به دنبال به‌انگذاری فعالیت فرهنگی نمی‌کند، یا به کسب برنامهریزی مدون هستند، یا خدایی ناکرده برای کانون‌ها، انجمن‌ها و تشکل‌ها، سیاست‌گذاری می‌کنند.البته همه دانشگاه‌ها را به یک چوب نمی‌زنیم اما جو غالب فضای دانشگاه‌های کشور چنین چیزی را نشان می‌دهد.

برای درک بهتر این موضوع که گزارش عملکرد چقدر در نظام دانشگاهی و سیستم وزارت علوم مهم است؛ باید به این بخش از صحبت‌های مدیرکل پشتیبانی امور فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم توجه کنیم که در پاسخ لزوم ایجاد مکانیزم نظارتی بر عملکرد فرهنگی دانشگاه‌ها، گفته است: «مکانیزم نظارتی بر فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها وجود دارد و تمامی دانشگاه‌ها ملزم به ارائه گزارش درباره عملکرد فرهنگی خود به وزارت علوم هستند. این گزارش‌ها در معاونت فرهنگی وزارت علوم مورد بررسی قرار می‌گیرد و از مجموعه‌های دانشجویی برتر تقدیر می‌شود. در صورت لزوم، تذکرات کتبی و غیر کتبی نیز به دانشگاه‌ها داده خواهد شد.»

نامبرده در ادامه بر این موضوع هم تاکید می‌کند

کُمیت لَنگ فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه‌ها در دوران کرونا!

دعوی کُمیت و کیفیت همیشه و در هر کاری وجود داشته، از بد روزگار، ذهن انسان هم بالذات کمی‌گراست و باعث می‌شود، کمیت پیروز همیشگی باشد. کمیت هم گزارش پُر کُن است هم کم‌دردرس. سمینار و همایش برگزار کردن برای معاون فرهنگی دانشگاه، فقط یک دردرس اجرایی دارد که آن هم روی دوش دانشجویست؛ دانشجویی که به خیال خود فکر می‌کند در حال انجام کاری بزرگ در عرصه فرهنگ کشور است.

سنجش کیفیت سخت است، اما برای همان همایش‌ها حداقل می‌توان یک هدف‌گذاری کرد و بعد از یک سال بررسی شود که آیا به هدف رسیدیم یا نه. هدف داشتن در هر کاری قدم اول مدیریت است. از مدیر، معاون و رئیس‌دانشگاهی که برای بخش فرهنگی هدف روشنی ندارد؛ چطور می‌توان انتظار داشت که دستس به سیاست‌گذاری در این حوزه بزند، هر چند که پُر کردن گزارش عملکرد پایان سال، هدفی است که همیشه وجود داشته، خیلی هم روشن بوده است.

«**دلیل شما برای تحصیل در مقطع دکتری چیست؟**»، **دقیقا همان سؤالی که وقتی در جلسه کنکور حاضر می‌شویم، باید بدان پاسخ دهیم. در واقع این یک سؤال اساسی است که معمولا داوطلبان پاسخ روشن و قانع‌کننده‌ای برای آن ندارند. بیشتر افرادی که این سال‌ها در مقاطع ارشد و دکتری تحصیل می‌کنند معمولا بر اتقای شغلی را انگیزه تحصیل می‌دانند، حال یا محل کار برای ارتقای شغلی آنها را ملزم به تحصیل کرده است یا آنها برای کسب موقعیتی بهتر به تحصیل روی آورده‌اند.**

با این وجود این سؤال خیلی از تحصیلکردگان و افراد پیرامون آنهاست که چرا اینهمه استقبال برای تحصیل در مقاطع بالا وجود دارد و با این وجود آمار بیکاری واشغال جوانان همچنان در بالاترین سطح است. عده‌ای سیستم آموزش عالی و برخی دیگر، نهداینه شدن فرهنگ‌های نادرست در جامعه را دلیلی برای این امر می‌دانند. افزایش تب مدرک‌گرایی در جامعه سال‌هاست که پایین نیامده و پیچیدگی آن باعث شده مسئولان برای حل آن، این دست و آن دست کنند یا برعهده یکدیگر بدانند. معاون آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، درباره افزایش تب مدرک‌گرایی در بین جوانان بیان می‌کند: مسئله مدرک‌گرایی چند بُعدی است و نمی‌توان به صورت ساده تحلیل کرد، اما بخش عمده آن به مسائل فرهنگی مربوط می‌شود.

نامبرده ادامه می‌دهد: گاهی فشار خانواده‌ها برای تحصیل فرزندانشان بنابر هر دلیلی (مثل تضمین آینده شغلی یا کسب جایگاه اجتماعی) باعث تشویق جوانان به سمت تحصیل بیشتر و گرفتن مدارک تحصیلی عالی‌ه می‌شود. از طرف دیگر در سال‌های

یادداشت دانشجویی

آدم اشتباهی یا دیپلماسی عوضی؟!

محمد زندی

انتشار گفت‌وگوی ظاهر آمرحانه و سه‌ ساعته وزیر خارجه اعدتالیون، چنان موجی ایجاد نمود که پس‌لرزه‌های آن از تهران نیز فرات رفت و حتی بانک‌های ینگه دنیا را نیز به جنب و جوش انداخت؛ اگرچه درباره اهداف پشت‌پرده افشای این فایل صوتی متهورانه از سوی انتشاردهندگان آن، تحلیل‌های گوناگونی مطرح گردیده است اما به نظر می‌رسد در بین‌خارج ژوایع مختلف اثرات آنی این فایل صوتی بر سطوح داخلی و خارجی، کمی هم باید به عقب بازگشته و تحلیلی تاریخی بر آن داشته باشیم.

عرصه دیپلماسی و روابط خارجی جمهوری اسلامی، از جمله حوزه‌هایی است که طی چهار دهه اخیر، کمابیش در چنبره دیپلمات‌هایی قرار گرفته که درک کاملی از مبانی و افق‌های فکری انقلاب اسلامی نداشته‌اند. نمونه بارز و مثال ملموس این افراد، همین وزیر خارجه کنونی است که کمیت فهم دیپلماسی‌اش علی‌رغم چهل و اندی سال مشق و تجربه‌اندوزی در این حوزه، به قدری لَنگ می‌زند که با ایجاد دوقطبی نام‌دهنده در مسیر دیپلماسی دلیانه قاجاریه و پهلوی است که نهایتاً منجر به انعقاد قراردادهای ننگین ترک‌مانچای و گلستان یا شوهر دان بحرین شد

میرهن است که عرصه سیاست خارجی جمهوری اسلامی، مرد میدان و شیر شرزهای می‌طلبد که «همواره

استغفانهم در جیبش نباشد»، «روش‌هشانا را تریک نگوید؛» «فرد پیشگاه امیر کویت زانو نزند»، «با باراک اوباما مصافحه نکند»، «با جان کری فالوده نخورد»، «قدرت دفاعی کشور را به سخره نگیرد»، «سفره دل برای البرادعی باز نکند»، «دری افرسنی در تیش یافت نشود»؛ و…»

تجربه هشت سال گذشته به روشنی نشان داده است که «آدم‌های اشتباهی» با پیشبرد «سیاست‌های متناقض» و «دیپلماسی عوضی»، ضررهای غیرقابل جبرانی را بر مردم و نظام وارد آورده‌اند. در توضیح جزایی وضع کنونی اما دو عنصر را می‌توان تاثیرگذار دانست. مورد اول، حضور افراد مُلَوَن و بی‌عرضه در سمت‌های کلان است که با علم به سمت ایدمانی به شرایط و چارچوب‌های عقیدتی نظام، مجدداً در عرصه حاضر می‌شوند؛ و مورد دوم، انتخاب‌های احساسی و ناپیاست که به صرف لیبازی‌های کودکانه یا هنرنگی با جماعت متأثر از پروپاگاندا مشاطه‌گران رسانه‌ای، جز عاقبتی شوم را برای ملک و مملکت رقم نمی‌زند.

دانشگاه

Daneshgah@Kayhan.ir

قدم در عرصه فعالیت فرهنگی در فضای مجازی بوده و تشکل‌ها و کانون‌های دانشجویی این دانشگاه در فضای مجازی فعال شده‌اند و ارتباط خوبی را با بدنه دانشجویان برقرار کرده‌اند.

معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه اصفهان نیز می‌گوید: «پس از شیوع کرونا و نبود دانشجویان در فضای دانشگاه، فعالیت‌های تشکل‌ها، کانون‌ها و انجمن‌های علمی شور و هیجان قبلی خود را از دست داد. اما پس از مدتی تمامی این فعالیت‌ها در فضای مجازی انجام شد و تشکل‌ها و کانون‌ها، تمامی برنامه‌های خود را با محوریت فضای مجازی تدوین کردند.»

افزون بر این، معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه یزد نیز درباره سیاستگذاری‌های فرهنگی این دانشگاه

است: «تقویت کانون‌های فرهنگی و انجمن‌ها به ویژه انجمن‌های علمی در قالب برگزاری سمینارهای مجازی، کارگاه‌های آموزشی و توسعه نشریات علمی از دیگر برنام‌های فرهنگی دانشگاه خوارزمی در سال جدید محسوب می‌شود.»

به نقل از ایسکانیوز؛ «فضای مجازی» کلیدواژه‌ای است که در صحبت‌های معاونان فرهنگی دانشگاه‌ها خودنمایی می‌کند. شاید باید از ویروس کرونا تشکر کرد که باعث شده معاونان فرهنگی دانشگاه‌ها به فضای مجازی که امروز بسیار تاثیرگذار تر از فعالیت‌های همایشی است؛ توجه کنند. البته واضح است که تبدیل سمینار به وبینار آن چیزی نیست که از فعالیت در فضای مجازی انتظار می‌رود؛ اما شاید برای شروع بد نباشد. حداقل می‌توان امید داشت این توفیق اجباری در آینده برخی نگاه‌های کمنی‌گرا را در حوزه فرهنگ تغییر دهد؛ هر چند فعالیت یکساله دانشگاه‌ها و گفته‌های معاونان فرهنگی چنین چیزی را نشان نمی‌دهد.



سمینار و وبینار هر دو ابزارند برای رسیدن به یک هدف؛ اما در نگاه حاکم بر مدیریت فرهنگی دانشگاه‌ها، اصل برگزار شدن اینها هدف است. کرونا هر چیزی را تغییر داده باشد این نگاه را نتوانسته در دانشگاه‌های ما تغییر دهد که هدف از فعالیت فرهنگی تاثیرگذاری و معاون فرهنگی و دانشجویی دانشگاه خوارزمی نیز آگاهی بخشی به دانشجویان در امور مختلف و تقویت باورها را سیاست اصلی معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه متشوش در سال جدید عنوان کرده و گفته

برای داشتن یک شغل در آینده به مهارت نیاز دارند و مدارک کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری برای فرد شغل نمی‌آورد.

وی گفت: خوشبختانه در بخش خصوصی، توجه به مدارک تحصیلی برای جذب نیروی متخصص کمتر شده است و معمولا کارفرمایان به دنبال افراد کاربلد برای انعقاد قرارداد و استخدام هستند نه فردی که صرفا یک مدرک تحصیلی داشته باشد؛ بنابراین می‌توان امیدوار بود که در آینده این مشکل

مدیریت کند و باید بقیه وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مربوطه دست به کار شوند. مشخص نبودن هدف و برنامه‌ریزی برای آینده باعث شده تا جوانان تا اندازه‌ای راه از خود را گم کنند و ندانند که تا کجا باید درس بخوانند. مشاوره‌ها و پاسخ‌های متنوعی برای این سؤال وجود دارد که یک جوان تا کجا باید درس بخواند و هر کس بسته به هدف و آینده‌اش برنامه‌ای دارد. در این راه توصیه و مشاوره‌های اساتید که سال‌ها با دانشجویان مختلفی سروکار داشته‌اند و آینده هرکدام را تاحدودی دیده‌اند، تجربه خوبی به نظر می‌رسد.

به نقل از خبرگزاری دانشجویی وی در پاسخ به این سؤال که برای ادامه تحصیل به دانشجویان تا چه مقطعی را توصیه می‌کنسد، گفت: هنگامی که دانشجویان در این باره از ما مشاوره می‌گیرند علاقه و هدف‌گذاری آنها برای آینده را معیار قرار می‌دهیم و معتقدیم هر فرد باید به دنبال علاقه خودش برود. وقتی جوانی به کارآفرینی و راهاندازی یک شغل علاقه دارد هرگز توصیه نمی‌کنیم که تا مقطع دکتری به تحصیل بپردازد، چون ممکن است که مدرک آن فرد در راهاندازی کسب‌وکارش تاثیرگذار باشد، اما به طور کلی کمک‌کننده نیست.

نامبرده گفت: اینگونه نیست که اگر کسی ارشد و دکتری بخواند حتما کارآفرین می‌شود یا می‌تواند یک تجارت و حرفه راهاندازی کند. به دانشجویان بسیار توصیه می‌کنم که اگر قصد راهاندازی شغلی را دارند و بعد از دوران کارشناسی، مهارت مورد علاقه‌شان را آموزش ببینند و به سراغ آن روند. مطمئنا اگر در علاقه و راه خود مسلط و حرفه‌ای باشیم کار همیشه وجود دارد لذا توصیه اول من نگاه به علاقه و برنامه طولانی مدت برای آینده است.

است که فقط برای سال گذشته محاسبه شده است. معیار این است که مؤسسات حداقل ۱۰۰ اثر را در پایگاه داده اسکوپوس (scopus) در طول سال گذشته در دوره زمانی انتخاب شده منتشر کرده‌اند. منبع اطلاعات مورد استفاده برای شاخص‌ها برای ناواری پایگاه اطلاعاتی PATSTAT است. منابع اطلاعاتی که برای نشانگرهای وب استفاده می‌شود، Google و

نظام رتبه‌بندی سایمگو یا رتبه‌بندی SCImago توسط گروه پژوهشی به همین نام در دانشگاه گرانادا در

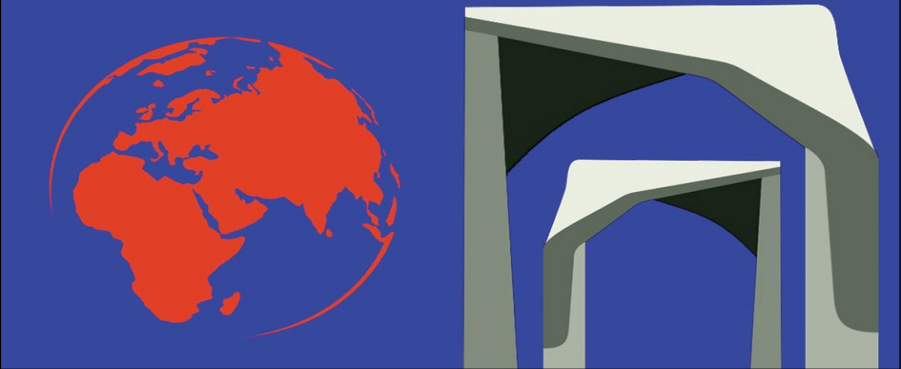
حضور چشمگیر دانشگاه‌های ایرانی در رده‌بندی «سایماگو»

اسپانیا انجام می‌شود که بر اساس تعداد مقالات علمی موسسات آموزش عالی کشورهای مختلف موجود در بانک اطلاعاتی اسکوپوس آنها را ارزیابی و رتبه‌بندی می‌کند. در این رتبه‌بندی از سه شاخص علمی ناواری و اجتماعی به صورت ترکیبی استفاده شده و شاخص تحقیقات ۵۰ درصد و شاخص نساواری ۳۰ درصد و شاخص اجتماعی ۲۰ درصد وزن دارند.

در شاخص تحقیقات تأثیر عادی، تعالی با رهبری، خروجی، رهبری علمی، مجلات متعلق به خود، مجلات خود، برتری، انتشارات با کیفیت بالا، همکاری بین‌المللی، دسترسی باز و مجموعه استعدادهای علمی در نظر گرفته می‌شود.

در شاخص ناواری دانش نوآورانه، ثبت اختراعات و تأثیر فناوری در نظر گرفته شده و در شاخص اجتماعی نیز استنادناردهای چندگانه، لینک‌های ورودی و اندازه وب سایت مدنظر بوده است.

در این بررسی مجموعه شاخص‌ها به صورت ترکیبی دیده شده‌اند. برای اهداف رتبه‌بندی، محاسبه هر سال از نتایج به دست آمده در طی یک دوره ۵ ساله به پایان می‌رسد که دو سال قبل از چاپ این رتبه‌بندی است. به عنوان مثال، اگر سال انتشار سال ۲۰۲۱ باشد، نتایج مورد استفاده نتایج مربوط به دوره ۵ ساله ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ است. تنها استثناء در مورد شاخص‌های وب سایت



صفحه ۸

چهارشنبه ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۰

۲۲ رمضان ۱۴۴۲ - شماره ۲۲۷۲۹

حلقه مفقوده

در علوم انسانی چیست؟

با نگاهی اجمالی به حوزه تولید علوم انسانی در کشور شاید به این قضاوت برسیم که خروجی و کارآمدی مراکز و نهادهای رسمی متولی تولید علوم انسانی چون حوزه، دانشگاه، پژوهشگاه و… به اندازه خروجی و تلاش افراد یا مراکز غیرحکومتی که به صورت خودجوش و جزیره‌ای در حال فعالیت هستند، نیست و کسانی که بیرون بوروکراسی علمی کشور مشغولند و به بسیاری بودجه‌ها، امکانات دسترسی ندارند در حوزه علوم انسانی تولیدات بیشتری داشته‌اند تا نهاد حوزه یا دانشگاهی که سیستماتیک برای این موضوع طراحی شده و بسیاری از امکانات را هم در اختیار داشته‌اند. اما قضاوت درست در این بساره نیازمند ارزیابی‌های دقیق‌تری است تا دربایام پندها و پژوهشگاه‌هایی که ساخته‌ایم، کارایی دارند یا نه. به عبارتی گریزی از بررسی تک‌تک این نهادها و مراکز رسمی جهت یک نتیجه‌گیری و قضاوت صحیح نیست.

مورد دیگر این است که در باب بوروکراسی علم شاید در کل کشور عوامل کلی و سرفصل‌های عمومی پیدا کنیم که باعث شده‌اند، کم‌کاری رخ دهد یا تولید خاصی اتفاق نیفتد اما باز هم چاره‌ای جز بررسی جزء به جزء این مراکز و نهادها نیست؛ یعنی در عین حال که همه این مراکز و نهادها عوامل مشترکی برای ناکامی در تولید علوم انسانی دارند، دارای عوامل مختص به خود در این ناکامی نیز هستند. به عنوان مثال کسانی که مدیریت نهادها و مراکز علوم انسانی را به عهده دارند خود صاحب هیچ تخصص ویژه‌ای در علوم انسانی نیستند. منظور از تخصص هم تنها داشتن مدرک دانشگاهی در رشته‌های علوم انسانی نیست بلکه فارغ از آن، هیچ تکاپوی علمی از جانب فرد در حوزه علوم انسانی مشاهده نشده است و به طور مشخص منظور از تخصص مدیر در حوزه علوم انسانی این است که صاحب ایده‌ای باشد و فهم و برآوردی که بداند در آن حوزه چه کارهایی می‌خواهد بکند و چه کارهایی نمی‌خواهد بکند. اما اغلب افرادی که مدیریت نهادهای رسمی علوم انسانی هستند فاقد ایده و طرحی نو هستند، ایده‌ای قابلیت طرح و دفاع کردن داشته باشد حتی اگر امکانات کافی در اختیار داشته باشند.

نکته دیگر این است که مدیریت این نهادها از تحولات جهانی علوم انسانی آگاه نیستند و نسبت‌شان با مسئله‌های روز قطع می‌شود. درست است که علم نمی‌تواند مثل روزنالیسم بکسره به قضایای روزمره بپردازد و نهادهای علمی خواه‌ناخواه درگیر مسائلی علمی هستند که شاید هیچ ربطی به جدل‌ها و دعواهای روز نداشته باشند

اما لازم است کوشش خود را در سمتی هدایت کنند که نسبتی با فضای امروز ما هم پیدا کنند.

تکرار کانت و هگل و… به خودی خود مذموم نیست تا زمانی که با مسائل امروز ما، نسبت خود را حفظ می‌کند یا به نحوی درباره سقراط بحث کنیم که نه او را کنار بگذاریم و نه بی‌نسبت با قضایای روز از او سخن بگوییم.

بخش دیگر مشکلات حوزه علوم انسانی مربوط به بوروکراسی این حوزه است که در چرخه‌ای باطل، مدام فرمالیسم را دامن می‌زند. به عنوان مثال اساتید علوم انسانی در باب مسئولانه ارتقای اساتید، دعوی همیشگی دارند یا ISIتوانایی در علوم انسانی از ایرادات شکلی و فرمالیسم اداری علوم انسانی است که بر مصائب این حوزه می‌افزاید. اما یکی از اصلی‌ترین عوامل ناکامی نهادها و مراکز رسمی در تولید علوم انسانی مختل بودن نظام ارتباطی علم است. منظور از نظام ارتباطی علم این است که در گام اول بنیوانیم مسئله‌هایی را که داریم، به موضوع‌های اصلی تحقیق و تفحص علمی در کشور تبدیل بکنیم. درباره خیلی از مسائل در کشور تحقیق و تفحص می‌شود سؤال این است که این موضوعات از کجا می‌آیند؟

لازم است نقشه‌هایی این موضوعات ترسیم شود یعنی بدانیم هر مرکز و نهاد علوم انسانی به طور دقیق روی چه موضوعاتی مشغول مطالعه است؟ یا به فرض بنیوانیم همه رساله‌های دکتری یا کارشناسی ارشد- چه آنها که نوشته شده چه آنها که در حال نگارش پروپوزال است- فهرست و دسته‌بندی کنیم تا برای ما روشن شود رساله‌های دکتری کانون به چه موضوعاتی پرداخته‌اند.

به نقل از آنا، یک سؤال دیگر این است که موضوعات مطالعاتی نهاده‌ها و رساله‌های دکتری از کجا می‌آیند و چگونه می‌توانیم موضوعاتی که بیشتر مورد نیاز جامعه است را وارد این فهرست کنیم؟ از سویی چگونه می‌توان مراکز و رساله‌هایی که روی موضوعات واحدی مطالعه می‌کنند را به هم مرتبط کرد؟ به طور مثال اگر ۱۰۰ رساله دکتری در کل کشور بر روی عدالت آموزشی کار می‌کنند چگونه می‌توانند از فعالیت هم اطلاع پیدا کنند تا بتوانند یافته‌های خود را برحسب فرآیند تحقیق و مطالعه با همدیگر به اشتراک بگذارند. گاه این به‌اشتراک گذاشتن به شکل فرمالیستی و مکانیستی رخ می‌دهد به‌خصوص زمانی که دانشجوی دکتری مشغول نوشتن فصل دوم رساله است و باید مشخص کند دیگران در حوزه مطالعه‌ای او چه کرده‌اند.

اما این کافی نیست بلکه چگونه می‌توان افرادی که در موضوع واحدی مطالعه کرده و می‌کنند را برای مباحثه مستقیم در ارتباط با همدیگر قرار داد و با یکدیگر نشست و برخاست علمی داشته باشند قوی‌تر باشد، فضای علمی ما را قوی‌تر می‌کند. هر چقدر نظر دادن درباره نظریات علمی یکدیگر با حوزه تخصصی مشترک، در جمع اصحاب علوم انسانی کشور باب شود، سریع‌تر این حوزه از علوم را از مهجوریت خارج می‌کند.



قابل توجه دانشجویان، طلاب و اساتید محترم حوزه و دانشگاه

«صفحه دانشگاه کیهان» از اخبار، مقالات، یادداشت‌ها و تحلیل‌های فرهنگی یا سیاسی مرتبط با عرصه‌های دانشگاهی و دانشجویی استقبال می‌کند. علاقه‌مندان می‌توانند فایل حرفه‌چینی شده مطلب خود را به‌ارایانه **Daneshgah.Kayhan@Iran.ir** یا شماره ۰۲۱-۳۳۱۱۱۲۰۰ ارسال نمایند. بدیهی است که روزنامه کیهان در ویرایش، تلخیص، انتشار یا عدم انتشار مقالات ارسالی، آزاد است.